



نیم‌نگاهی کانتی به زیبایی‌شناسی فیلم‌های جشنواره «حسنات»

علیرضا ارواحی

پژوهشگر مباحث نظری هنر

احکام زیبا توجه می‌کند و علاقه را مغایر با احکام ذوقی و زیبایی‌شناختی می‌داند. برای فهم این مطلب در ابتدا می‌بایست میان دو نوع داوری مبتنی بر ذوق از دیدگاه کانت تفاوت گذاشت. وی با توجه به روند فلسفی خود بیان می‌کند که دو نوع داوری مبتنی بر ذوق وجود دارد، یکی بر اساس «زیبا» (Le beau) و دیگری بر اساس «والا» (Le sublime) و سپس «به پیروی از نویسندگان انگلیسی [صاحب نظر] درباره زیبایی‌شناسی، حکم به زیبایی شیئی را حکم ذوقی» (کاپلستون، ۱۳۶۰: ۲۲۷) می‌خواند.

در این داوری انواع چهارگانه صور منطقی اهمیت دارد: «کیفیت»، «کمیت»، «نسبت» و «جهت». کانت برخلاف فیلسوفان پیشین «کیفیت را قبل از کمیت قرار می‌دهد و کلیت حکم و جنبه کمی آن را به نحوی تعدیل می‌کند و کاربرد ریاضی را تلویحاً در احکام ذوقی

در جشنواره‌های فیلمی که با هدف مفاهیم اخلاقی برگزار می‌شود مبحث «علاقه» (Interesse / Interest) کانت قابل بررسی است، کانت بی‌توجهی به این مبحث را فارغ از نگاه زیبایی‌شناسی (Aesthetic) می‌داند.

این بی‌توجهی در فیلم‌های جشنواره «حسنات» مشهود است و معمولاً مخاطب با فیلم‌هایی روبه‌رو می‌شود که در آن «امر زیبا» در مقایسه با اخلاق رنگ می‌بازد و به باور کانت با یک نگاه علاقه‌ای همراه می‌گردد. مفهوم علاقه معمولاً در فلسفه بررسی می‌شود و کانت یکی از مهم‌ترین کسانی است که به تفصیل به زیبایی‌شناسی در هنر و این مفهوم پرداخته است و نظرات وی در این زمینه پراهمیت و مطلعی برای صاحب‌نظران هنر به‌شمار می‌آید.

کانت در کتاب خود به نام «نقد قوه حکم» (داوری) در صورت منطقی «کیفیت»، به علاقه و رابطه آن با



●●● «داوری
زیبایی‌شناسی عاری از
علاقه، نه تنها نسبت
به ترجیح‌های ذهنی
(و بنابراین نسبت به
آنچه مطبوع یا نامطبوع
می‌یابیم)، بلکه حتی
نسبت به قانون اخلاقی
(نسبت به آنچه به عنوان
اجبار بر من تحمیل
می‌شود) آزاد است ●●●

و مسائل زیباشناختی ناموجه اعلام می‌دارد.» (مجتهدی، ۱۳۸۶: ۱۷۵ و ۱۷۶) از دیدگاه کانت علاوه بر جابه‌جایی کیفیت و کمیت، اهمیت دادن به این صور منطقی در بحث زیبایی‌شناختی و حکم ذوقی و پیوند میان ماتقدم و ذوق قابل ذکر است.

«حکم ذوقی به هیچ وجه نه یک حکم شناختی و در نتیجه منطقی بلکه [حکمی] زیباشناختی است که از آن چنین بر می‌آید که مبنای اجباری آن فقط می‌تواند مبنایی ذهنی باشد» (کانت، ۱۳۸۸: ۹۹ و ۱۰۰)، در حکم ذوقی «توانایی ارزیابی یک موضوع یا چگونگی یک تصور وجود دارد» (نقیب‌زاده، ۱۳۴۶: ۳۴۸) و در این ارزیابی و داوری عدم نسبت دادن تصور چیزی که زیباست به موضوع دیده می‌شود. این برخورد مانع از این امر است که چیز زیبا به وسیله مفاهیم شناخته شود. حکم ذوقی، شناختی مفهومی نیست، چرا که مفهوم به دنبال برابر کردن چیزهای نابرابر است و برابری مفهومی در هنر وجود ندارد و «عاری از مفاهیم» است و خود زیبایی نیز یک مفهوم نیست.» (اسکروتین، ۱۳۷۵: ۱۵۱) «در واقع باید چنین گفت که وقتی کانت مفاهیم مشخص را کنار می‌گذارد (که ممکن بود در کل زیبا مصداق یابد)، مانع از این می‌شود که زیبا به بخشی از تجربیات عینی مبدل گردد (...). و به عنوان واقعیتهای خارجی وجود پیدا کند و نفع و غرضی به آن تعلق بگیرد.» (کورنر، ۱۳۸۰: ۳۴۵) این نگاه کانت، زیبایی را از مفهوم جدا و لذت حاصل از زیبایی را از نفع و علاقه آزاد می‌کند.

با توجه به آنچه آمد می‌توان گفت ذوق، «نیروی ارائه حکم است دربارهٔ ابژه، یعنی شیوه متصور شدن ابژه است رها از هر غرض. لذت ناشی از ادراک زیبایی رهاست از هر گونه بهره، سود و علقه خاص.» (احمدی، ۱۳۸۸: ۸۴) یعنی زیبایی به خاطر خود زیبایی اهمیت دارد. «زیبایی

به خاطر زیبایی و این شعار آشنایی است، که از حیث مضمون شبیه گفته مشهور اسکار وایلد است، دایر بر این که جملهٔ هنرها کاملاً عاری از فایده‌اند.» (گراهام، ۱۳۸۳: ۳۳)

«داوری زیبایی‌شناسی عاری از علاقه، نه تنها نسبت به ترجیح‌های ذهنی (و بنابراین نسبت به آنچه مطبوع یا نامطبوع می‌یابیم)، بلکه حتی نسبت به قانون اخلاقی (نسبت به آنچه به عنوان اجبار بر من تحمیل می‌شود) آزاد است. کانت آن را «خود قانون‌گذاری» می‌خواند: آن از طریق فعالیت تأملی خود بر صورت تصویر [بازنمود] حسی اعمال می‌شود و به خود تعیین می‌بخشد. بلادرنگ در می‌یابیم که چرا تنها خصایص صوری عین در حکم ذوقی دخالت دارد. اگر حکم نسبت به ماده باشد، دیگر آزادی برای آن نخواهد بود، زیرا احساس فاعل شناسا در برخورد به ماده همواره پذیرنده و انفعالی است.» (شفر، ۱۳۸۷: ۶۳)

به‌طور کلی می‌توان گفت: «ذوق نیروی داوری و ستایش یک ابژه یا یک شیوه بیانگری است، از راه لذت با عدم لذتی که از هر منفعتی [و علاقه‌ای] مستقل باشد. ما موضوع چنین لذتی را زیبا می‌خوانیم.» (احمدی، ۱۳۸۸: ۸۴)، این لذت، حکم ذوقی را معین می‌کند و در محتوا و فرم از «علاقه» آزاد است.

کلاً در انگیزش این لذت و تأثیر بر روی مخاطب، استفاده از هر نوع «علاقه» کمکی به زیباشناسی فیلم نمی‌کند و کانت در این تأثیر بر تفاوت میان «دریافت حسی» (Empfindung / sensation) و «احساس» (Feeling) تأکید می‌گذارد (کانت، ۱۳۸۸: ۱۰۳ و بووی، ۱۳۸۶: ۶۰). به عبارتی «یک شناخت می‌تواند یا طبق قانون نیروی حساسیت یا طبق قانون نیروی فهم کامل باشد.» (خراسانی، ۱۳۷۶: ۳۹۷) که این دو با هم



●●● انتخاب و داوری

فیلم‌ها و حتی برگزاری

یک جشنواره می‌بایست

به دور از مفاهیمی

هم‌چون سود، میل،

خواست و «علاقه» باشد.

در فیلم‌های جشنواره

حسنات تأثیر غالب

موضوع جشنواره یعنی

«حسنات» بر روی

انتخاب فیلم‌ها باعث

دور شدن از مباحث

زیبایی‌شناختی شده

است ●●●

خیر (Gut / Good) و «امر زیبا».

در «نقد قوه حکم» درباره امر مطبوع آمده است: «مطبوع چیزی است که در دریافت حسی، خوشایند حواس واقع شود.» (کانت، ۱۳۸۸: ۱۰۲) امر مطبوع میان انسان و حیوان مشترک است و میل و شهوت را ارضاء می‌کند، مثلاً خوراکی که برای ما لذت‌بخش است و ذائقه را تحریک می‌کند، امر مطبوع به‌شمار می‌آید و با علاقه پیوسته است و «چیزی که به‌وسیله عقل از طریق مفهوم صرف، خوشایند باشد، خیر است» (کانت، ۱۳۸۸: ۱۰۴) و بر خلاف امر مطبوع، میان موجودات عاقل مشترک است و با امر مطبوع اختلافات دیگری هم دارد. تشابه امر مطبوع و امر خیر در وجود «علاقه» است و این دو با «علاقه» در متعلق خویشتن پیوسته‌اند. مهم‌ترین تفاوت زیبا با خیر و مطبوع در عدم پیوستگی زیبا با «علاقه» است.

به عبارت دیگر: «مطبوع به چیزی گفته می‌شود که به شخص التذاذ بخشد. زیبا به چیزی گفته می‌شود که صرفاً او را خوش آید. خیر، چیزی است که آن را ارج نهد [یا تصویب کند] یعنی چیزی که برایش ارزش عینی قائل باشد.» (کانت، ۱۳۸۸: ۱۰۸)

فیلم‌های به نمایش درآمده در جشنواره معمولاً پیرو امر خیر است و با توجه به نظر برگزارکنندگان بر اساس مفاهیمی هم‌چون «احسان، نیکوکاری و سنت خیراندیشی، همیاری، نوع‌دوستی و همدلی» شکل گرفته است. کانت در حوزه اخلاق به این‌گونه مفاهیم توجه دارد و این مفاهیم را در زیبایی‌شناسی بررسی نمی‌کند.

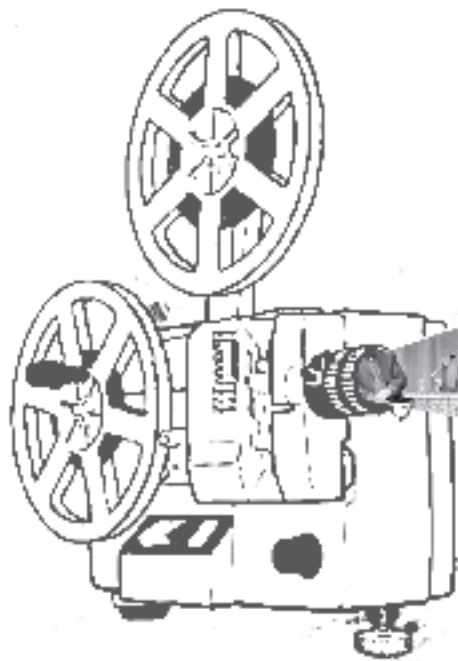
در پایان می‌توان گفت، «علاقه»، «رضایتی است که به تصور وجود یک عین پیوند می‌زنیم چنین رضایتی همیشه با قوه میل نسبت دارد، خواه به مثابه مبنای

متفاوتند و همان‌طور که ذکر شد شناخت زیبایی به‌طور بی‌واسطه ارتباطی با فهم ندارد. چهار صور ذکر شده به چهار بیان از زیبا اشاره می‌کنند که مکمل یکدیگرند که در صورت اول، اثر هنری در سنجش کیفیتی از دیدگاه کانت، هیچ رابطه‌ای با «بهره»، «سود»، «میل»، «قوه شهوانی»، «خواست»، «دلبستگی»، «فرض» و «علاقه» ندارد.

انتخاب و داوری فیلم‌ها و حتی برگزاری یک جشنواره می‌بایست به دور از مفاهیمی هم‌چون سود، میل، خواست و «علاقه» باشد. در فیلم‌های جشنواره حسنات تأثیر غالب موضوع جشنواره یعنی «حسنات» بر روی انتخاب فیلم‌ها باعث دور شدن از مباحث زیبایی‌شناختی شده است. این امر به فیلم‌ها یک گرایش مفهومی و محتوایی داده است و بعضاً فیلم‌هایی دیده می‌شود که در آن مفهوم بر جنبه‌های زیبایی‌شناسی آن غالب است و فیلم‌ها در مواردی از هرگونه نفع، غرض، ترجیح‌های ذهنی و قانون اخلاقی رها نیست. اگر دیدن فیلمی تداعی‌کننده یک خاطره دلنشین و آزاردهنده است و با هر بار دیدن لذتی از آن حاصل می‌شود، این لذت، لذتی زیبا شناختی نیست، چرا که همراه با میل و علاقه و نظایر آن بوده است و معمولاً این‌گونه فیلم‌ها با جانب‌داری همراه می‌شود.

کانت در باب «علاقه» و رابطه‌اش با حکم ذوقی و زیبایی‌شناختی اذعان می‌کند که «هرکس باید بپذیرد که داوری درباره زیبایی اگر با کمترین علاقه‌ای آمیخته باشد، بسیار جانب‌دار (Parteilich / Partial) است و یک حکم ذوقی محض نیست.» (کانت، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

در ادامه لازم به ذکر است که کانت در باب ذوق و «علاقه»، میان سه چیز تفاوت می‌گذارد: «امر مطبوع» (Angenehm / Pleasant / Agreeable)، «امر



می‌یابد و جشنواره به بستری برای ترویج مفاهیم اخلاقی سوق داده می‌شود و هنر و سینما به واسطه‌ای برای این بستر تقلیل می‌یابد. در چنین جشنواره‌ای که با توجه به نظر برگزارکنندگان آن با «رستارین زبان هنر یعنی سینما» شکل گرفته است، نوعی ترجیح امور اخلاقی بر زیبایی دیده می‌شود و اخلاق غایتی برای هنر قلمداد می‌گردد. کانت در این مورد نیز هنر و زیبایی‌شناسی را در صورت منطقی «نسبت» فارغ از «غایت» و واسطه‌ای برای رسیدن به مفاهیم می‌داند و به‌صراحت اشاره می‌کند که حکم ذوقی نمی‌تواند «به وسیله هیچ تصویری از غایتی عینی و نتیجتاً توسط هیچ مفهومی از خیر، ایجاب شود، زیرا حکمی زیبایی‌شناختی نه شناختی است و بنابراین کاری با هیچ مفهومی ندارد.» (کانت، ۱۳۸۸: ۱۲۳ و ۱۲۴)

ایجابی آن، خواه به مثابه [امری] ضرورتاً پیوسته به مبنای ایجابی آن. لیکن وقتی سؤال این است که آیا چیزی زیباست، نمی‌خواهیم بدانیم آیا من یا هر کسی دیگری علاقه‌ای به وجود آن داریم یا می‌توانیم داشته باشیم بلکه [می‌خواهیم بدانیم] چگونه درباره آن به کمک مشاهده صرف (Betrachtung / Observation) (شهود یا تأمل) داوری می‌کنیم» (کانت، ۱۳۸۸: ۱۰۰ و ۱۰۱) و حکم ذوقی، حکم زیبایی‌شناختی است و «قوة داوری درباره یک عین یا یک شیوه تصور آن از طریق رضایت، بدون هر علاقه‌ای است. متعلق چنین رضایتی زیبا نامیده می‌شود.» (کانت، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

هنر برای کانت با امر زیبا پیوند دارد و مفاهیم اخلاقی فارغ از مباحث هنری است و با توجه به آنچه که در باب زیبایی‌شناسی مطرح شد با پرداختن به مفاهیم اخلاقی امکان دست‌یابی به مباحث زیبایی‌شناسی و هنر کاهش

●●● با پرداختن
به مفاهیم اخلاقی
امکان دست‌یابی به
مباحث زیبایی‌شناسی
و هنر کاهش می‌یابد
و جشنواره به بستری
برای ترویج مفاهیم
اخلاقی سوق داده
می‌شود و هنر و سینما
به واسطه‌ای برای این
بستر تقلیل می‌یابد
●●●

منابع

- احمدی، بابک، ۱۳۸۸، حقیقت و زیبایی، نشر مرکز، چاپ هفدهم.
اسکروتن، راجزر، ۱۳۷۵، کانت، پایا، علی، طرح نو، چاپ اول.
بووی، اندرو، ۱۳۸۶، زیبایی‌شناسی و ذهنیت، از کانت تا نیچه، مجیدی، فریبرز، فرهنگستان هنر.
خراسانی، شرف‌الدین (شرف)، ۱۳۷۶، از برونو تا کانت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
شفر، ژان ماری، ۱۳۸۷، فلسفه هنر از کانت تا هایدگر، قانونی، ایرج، انتشارات آگه، چاپ دوم.
کاپلستون، فردریک، کانت، بزرگمهر، منوچهر، دانشگاه صنعتی شریف با همکاری مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
کانت، ایمانوئل، ۱۳۸۸، نقد قوه حکم، رشیدیان، عبدالکریم، نشرنی، چاپ دهم.
کورنر، اشتفان، ۱۳۸۰، فلسفه کانت، فولادوند، عزت‌الله، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
گراهام، گوردون، ۱۳۸۳، فلسفه هنرها، درآمدی بر زیبایی‌شناسی، علیا، مسعود، ققنوس.
مجتهدی، کریم، ۱۳۸۶، افکار کانت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
نقیب‌زاده، میرعبدالحسین، ۱۳۴۶، فلسفه کانت (بیداری از خواب دگماتیسم)، انتشارات آگاه چاپ اول.